

مقایسه پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین<sup>۱</sup>

Comparing the behavioral responses in face of spouse's emotion expression between women with high and low level of emotional intimacy

Negar Sadat Mirkazem

M.A. in Family Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

Asie Shariatmadar\*

Assistant Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

[s\\_shariatmadar@yahoo.com](mailto:s_shariatmadar@yahoo.com)

Kiomars Farahbakhsh

Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

نگار سادات میرکاظم

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

آسیه شریعتمدار (نویسنده مسئول)

استادیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

کیومرث فرجبخش

دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

## Abstract

The way the spouse's emotional expression is responded to is one of the factors playing a role in the formation of marital intimacy. The current study intended to compare the behavioral responses to the spouse's emotional expression between women with high and low levels of emotional intimacy. A qualitative approach with a descriptive phenomenological design was applied to conduct this study. A sample of 20 married women in Tehran (2021) was selected using a purposive sampling method and considering the principle of saturation. The data were collected through semi-structured interviews and were analyzed using Colaizzi's seven-step method of phenomenological data analysis. Data analysis resulted in extracting six main themes from each group. The main themes extracted from the high emotional intimacy group include "encouragement, attending to emotions and accepting it", "companionship in the cognitive processing of emotion", "proactive responding", "timing in responding to spouse's emotion", "corrective actions" and "managing the environmental stimuli" and the main themes extracted from the low emotional intimacy group include "non-encouragement, not attending to emotions and not accepting it", "rationalization", "reactive emotional responding", "rush in response", "retaliatory actions" and "selective responding". The results indicate that there are some differences between the behavioral responses of the two groups in four dimensions flexibility, constructiveness, companionship, and agency.

**Keywords:** self-disclosure, behavior, couple, marital intimacy, qualitative study.

## چکیده

نحوه پاسخ‌گویی نسبت به ابراز هیجانات همسر از جمله عواملی است که می‌تواند در شکل‌گیری صمیمیت زناشویی نقش داشته باشد. هدف مطالعه حاضر، مقایسه پاسخ‌های رفتاری نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین بود. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. نمونه موردپژوهش شامل ۲۰ نفر از زنان متاهل شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و در نظر داشتن اصل اشباع انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش هفت‌مرحله‌ای پدیدارشناختی کلایزی تجزیه و تحلیل شدند. در نتیجه تحلیل داده‌ها شش مضمون اصلی از هر گروه استخراج شد. مضمون‌های اصلی به دست آمده از گروه با صمیمیت عاطفی بالا شامل «همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن»، «همراهی در پردازش شناختی هیجان»، «پاسخ‌دهی کنش‌گرانه»، «زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر»، «اقدامات اصلاحی» و «مدیریت محرک‌های محیطی» و مضمون‌های اصلی حاصل از گروه با صمیمیت عاطفی پایین در برگیرنده «عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن»، «عقلانی‌سازی»، «پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی»، «شتات‌زدگی در پاسخ‌دهی»، «اقدامات تلافی‌جویانه» و «پاسخ‌دهی گزینشی» بودند. یافته‌ها نشان داد که بین پاسخ‌های رفتاری دو گروه در چهار محور انعطاف‌پذیری، سازنده بودن، همراهی کردن و عاملیت تفاوت‌هایی وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** خودافشایی، رفتار، زوجین، صمیمیت زناشویی، مطالعه کیفی.

ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۲

پذیرش: بهمن ۱۴۰۱

درایافت: دی ۱۴۰۱

نوع مقاله: کیفی

## مقدمه

\*: این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است.

ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های بشر شناخته شده که بر زندگی افراد، خانواده‌ها و جامعه تأثیر بسیاری دارد (حسینی و موحدی، ۲۰۱۶). پژوهشگران معتقدند یکی از جنبه‌های مهم ازدواج موفق، داشتن روابط صمیمانه است (پاشا و همکاران، ۲۰۱۷). لی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) صمیمیت را به منزلهٔ فرایند تبادل عاطفی در زندگی زناشویی تعریف می‌کنند. اهمیت این سازه به‌گونه‌ای است که یافته‌های پژوهشی نشان داده‌اند بین صمیمیت زناشویی با کیفیت زندگی (رویال، ۲۰۲۰)، شادکامی (کیم و کانگ، ۲۰۲۱)، عزت نفس (واسکرج، ۲۰۱۸)، خودکارآمدی جنسی و سازگاری زوجی (شهروبی و همکاران، ۱۴۰۰) رابطهٔ مثبت و معناداری برقرار است. در مقابل، فقدان صمیمیت یک عامل اساسی در تعارضات زناشویی و پریشانی‌های زوجین شناخته شده و یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق به شمار می‌رود (برکوس و دنیام، ۲۰۱۷؛ کارдан سورکی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ کریمی و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به اهمیت صمیمیت، نظریه‌پردازان متعددی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند.

باگاروزی<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در الگوی خود نه مؤلفهٔ صمیمیت را مشخص کرده که عبارتند از: صمیمیت عاطفی، روان‌شناختی، عقلانی، جنسی، بدنی، معنوی، زیباشناختی، اجتماعی-تفریحی و زمانی. یکی از ابعاد صمیمیت زناشویی، صمیمیت عاطفی است که به معنای نیاز به سهیم‌کردن همسر در تجربه‌های هیجانی مثبت و منفی می‌باشد. مسترز<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) صمیمیت عاطفی را در چهار مرحله به توصیر می‌کشد: شناسایی و پذیرش هیجانات خود؛ ابراز مستقیم هیجانات تجربه‌شده؛ اطمینان از شنیده شدن توسط فرد مقابل و درنهایت، وارد شدن به جزئیات. همان‌گونه که مشهود است در فرایند شکل‌گیری صمیمیت دو مؤلفه ابراز هیجان و نحوه پاسخ‌گویی به آن حائز اهمیت است.

ابراز هیجان به معنای تلاش جهت به اشتراک گذاشتن هیجانات با دیگران است (کلمون و اووال، ۲۰۱۸). فیشر و منستد<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) تجربه، ابراز و به اشتراک گذاشتن هیجانات را از عناصر مهم فرایند شکل‌گیری و تکوین روابط صمیمانه می‌دانند. در همین راستا، نظریه نفوذ اجتماعی<sup>۶</sup> اشاره دارد که صمیمیت بین‌فردی از طریق ابرازگری عمیق و متقابل به وجود می‌آید (پن<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۸) و الگوی ماتریس صمیمیت<sup>۸</sup> نیز خودابزارگری را یکی از مؤلفه‌های اصلی در مفهوم‌سازی صمیمیت معرفی می‌کند (کرستن و هیمل، ۱۹۹۱). مطابق دیدگاه پژوهشگران ابراز هیجان ذاتاً مخاطره‌آمیز است و احتمال می‌رود با نتایج نامطلوبی همراه باشد؛ لذا فرد زمانی خطر کرده و اقدام به خودافشایی می‌نماید که بتواند پاسخگویی شریک زندگی را به نحو مطلوبی پیش‌بینی کند (روان<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). مارار<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان می‌دهد مردان هنگامی که همسرشان را قابل اعتماد، خیرخواه و فاقد هرگونه قضاوتی می‌دانند، حالت دفاعی را کنار گذاشته و به آن‌ها اجازه می‌دهند تا نظاره‌گر حقایق موجود در مورد آن‌ها باشند؛ در مقابل، چنانچه مردان احساس نالمنی کنند، به دلیل ترس از طردشدن به سمت صمیمیت و خودافشایی گام برنمی‌دارند. در این جهت، الگوهای افشاگری (نظیر الگوی تصمیم‌گیری ابرازگری<sup>۱۱</sup>) شرح می‌دهند که پتانسیل ابرازگری منوط به ادراک فرد از نحوه پاسخگویی شخص مقابل است (مگسیمن کونرد<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸).

- 
1. Lee
  2. Royal
  3. Kim & Kang
  4. Weisskirch
  5. Berkos & Denham
  6. Kardan-Souraki
  7. Bagarozzi
  8. Masters
  9. Cameron & Overall
  10. Fischer & Manstead
  11. social penetration theory
  12. Pan
  13. intimacy matrix
  14. Kersten & Himle
  15. Ruan
  16. Marar
  17. disclosure decision-making model
  18. Magsamen-Conrad

پاسخ، واکنش و عملکرد در ادبیات پژوهش متراffد رفتار در نظر گرفته شده و رفتارها معمولاً به اعمال آشکار یک فرد اشاره دارند (آلباراسین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). ریس و شیور<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) در الگوی خود نشان می‌دهند که فرایند صمیمیت با خودافشایی و ابراز هیجان یک نفر در برابر دیگری آغاز می‌شود و در صورت پاسخگویی همدلانه و حمایت‌گرانه طرف مقابل، فرایند مذکور ادامه می‌یابد؛ لذا یک سازوکار مهم که میانجی‌گر خودافشایی گوینده و تجربه مربوط به صمیمیت است، میزان پاسخگویی شریک زندگی است (لارنسی<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). طبق این الگو، در فرایند شکل‌گیری صمیمیت، پاسخگویی همسر در قیاس با خودافشایی از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین کاردوا و اسکات<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) نیز بر مبنای الگوی رفتاری خود اذعان دارند که ابراز هیجان نوعی آسیب‌پذیری است؛ بنابراین، صمیمیت در رابطه زمانی شکل می‌گیرد که شریک زندگی به جای تنبیه به تقویت آن بپردازد.

پژوهش‌های متعددی به مطالعه نحوه پاسخگویی در رابطه و پیامدهای آن پرداخته‌اند. بالزارینی<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خود نشان دادند که ارتباط معناداری بین ادراک فرد از نحوه پاسخگویی شریک زندگی هنگام تجربه استرس‌های مرتبط با همه‌گیری کرونا و کیفیت رابطه وجود دارد؛ به عبارتی، افرادی که پاسخگویی شریک خود را پایین ارزیابی می‌کرند در مقایسه با گروه مقابل کیفیت رابطه ضعیفتری را گزارش کردن. همچنین پیشینهٔ پژوهشی نشان می‌دهد که ادراک از پاسخگویی شخص مقابل با بهزیستی و سلامت همبستگی داشته و همچنین تعديل گر سرکوب هیجان و انفعال متأثر از عدم توان قدرت در رابطه است (النسوفرس<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۲۰؛ التسوفرس و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش بیرنباوم<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۶) نیز به پیوند موجود بین پاسخگویی مطلوب شریک زندگی و افزایش میل جنسی اشاره دارد. در این میان، لازم به ذکر است که عوامل متعددی می‌تواند در چگونگی پاسخ‌دهی نقش داشته باشد.

تأثیر جنسیت و عوامل فرهنگی در نحوه ابراز هیجان (لیم<sup>۸</sup>، ۲۰۱۶؛ مشکات و نجاتی، ۲۰۱۷) و پاسخ دریافتی مبرهن است به گونه‌ای که از منظر نقش‌های جنسیتی، زنان پرورش دهنده، ابرازگر و از خود گذشته هستند که از پرخاشگری اجتناب می‌کنند؛ در مقابل، مردان بیشتر عامل، مستقل، کارдан و جسور بوده و پرخاشگری را می‌آموزنند (رودمن و گلیک<sup>۹</sup>، ۲۰۲۱). به علاوه، از بعد فرهنگی نیز جوامع غرب و شرق هرکدام به طور جداگانه بر یکی از دو جنبه ارزشمندی هیجانی فردی یا رابطه‌ای تأکید دارند (فریدلمایر<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). درنتیجه، بر اساس فرایند جامعه‌پذیری و منوط به بافت فرهنگی انتظار می‌رود زنان و مردان هیجانات خویش را در قالب خاصی به نمایش بگذارند که به تبع آن پاسخ‌های رفتاری متفاوتی نسبت به آن‌ها فراخوانده می‌شود.

همان‌گونه که مطرح شد، نحوه پاسخگویی به ابراز هیجانات همسر یکی از مؤلفه‌های مهم در فرایند شکل‌گیری صمیمیت زناشویی است. از آنجایی که ابراز هیجان و پاسخ‌دهی به آن امری وابسته به فرهنگ است، اخیراً مطالعاتی در حوزهٔ پاسخگویی به ابراز هیجانات همسر در فرهنگ غرب انجام شده؛ با این وجود، نوعی خلاصهٔ پژوهشی در فرهنگ شرق به چشم می‌خورد. در همین راست، روان و همکاران (۲۰۲۰) توصیه می‌کنند تا پیرامون پاسخ به هیجانات همسر در فرهنگ آسیا تحقیقاتی صورت گیرد. با توجه به اینکه در فرهنگ ایران ابراز هیجان از سوی زنان پذیرفته شده‌تر است (رضاپور میرصالح و همکاران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، آقایان کمتر هیجانات خود را ابراز می‌نمایند و این مسئله تبدیل به نوعی کلیشهٔ جنسیتی شده که انتظارات را شکل می‌دهد به همین خاطر، احتمال می‌رود نحوه پاسخگویی به ابراز هیجان مردان متفاوت باشد؛ لذا پژوهشگران در پژوهش حاضر قصد دارند در فرهنگ ایران به مقایسهٔ پاسخ‌های رفتاری نسبت به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین بپردازند.

1. Albarracín  
 2. Reis & Shaver  
 3. Laurenceau  
 4. Cordova & Scott  
 5. Balzarini  
 6. Alonso-Ferres  
 7. Birnbaum  
 8. Lim  
 9. Rudman & Glick  
 10. Friedlmeier

## روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. نمونه مورد پژوهش در برگیرنده ۲۰ نفر از زنان متأهل شهر تهران با تجربه حداقل پنج سال زندگی مشترک در سال ۱۴۰۰ بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند (از نوع شدت یا حد) برگزیده شدند. ملاک‌هایی جهت گزینش مشارکت‌کنندگان و ورود به پژوهش در نظر گرفته شد که عبارت بودند از: زندگی مشترک با همسر در حال حاضر، احراز نمره ۱۵-۲۱ یا ۳۰ در مؤلفه صمیمیت عاطفی از پرسشنامه ارزیابی شخصی صمیمیت در روابط و میل به همکاری در پژوهش. «قدان تمرکز و عدم همکاری کافی مصاحبه‌شونده حین انجام مصاحبه» نیز ملاک خروج از پژوهش بود. جهت اجرای پژوهش، ابتدا فراخوانی به منظور دعوت مشارکت‌کنندگان تنظیم و در فضای مجازی منتشر شد. بیست و پنجم نفر متغیر شرکت در پژوهش بودند که در این میان ۲۲ نفر ملاک‌های ورود به پژوهش را برآورده ساختند. پس از انتخاب شرکت‌کنندگان با در نظر گیری اصل اشباع در گروه صمیمیت عاطفی بالا با ۱۱ نفر و در گروه صمیمیت عاطفی پایین با نفر مصاحبه شد. مصاحبه‌ها غالباً به صورت تلفنی و مجازی در سال ۱۴۰۰ انجام شد که کمینه و بیشینه مدت زمان هر مصاحبه به ترتیب ۳۶ و ۹۰ دقیقه و میانگین و انحراف معیار آن‌ها برابر با ۵۷/۹ و ۱۶/۳ بود. کلیه مصاحبه‌ها با رضایت مخاطبان ضبط شده و پس از مکتوب‌سازی، تجزیه و تحلیل آن‌ها توسط یک دانشجوی کارشناسی ارشد بود. مشاوره انجام پذیرفت. تحلیل داده‌ها بدین صورت بود که هر مصاحبه بلاصله پس از انجام، مورد بازخوانی و تحلیل قرار می‌گرفت سپس پژوهشگر بر اساس تحلیل مصاحبه‌های پیشین با سؤالاتی مناسب‌تر و ذهنی بازتر وارد مصاحبه‌های بعدی می‌شد و به این ترتیب تا مصاحبه‌ای پیش‌روی شد. لازم به ذکر است جهت تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد به صورتی که در گام اول، مصاحبه‌ها مورد بازخوانی مکرر واقع شدند و پس از آن، عبارات و جملات مرتبط با پدیده موردمطالعه مشخص شدند. در مرحله بعدی به عبارات مشخص شده برچسب‌هایی منتب شد و سپس ارتباط مفهومی این برچسب‌ها باهم منجر به شکل‌گیری مضماین فرعی پاسخ‌های رفتاری گردید. با تشخیص و کنار هم قرار دادن مضماین فرعی مشابه، مضماین اصلی به وجود آمدند. در ادامه، یک مضمون هسته‌ای از هر گروه استنباط شد که توصیف جامعی از پدیده موردنظر بود. درنهایت، برچسب‌ها و طبقه‌بندی‌ها به برخی از مشارکت‌کنندگان عرضه شد و مورد بازبینی قرار گرفت. شایان توجه است که به منظور تقویت اعتمادپذیری پژوهش از ملاک‌های لینکلن و گوبا<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) استفاده شد. پژوهشگران جهت دستیابی به قابلیت اعتبار<sup>۲</sup> سعی داشتند تا در انتخاب مشارکت‌کنندگان حداکثر تنوع در تجربیات را در نظر گیرند. آن‌ها همچنین با ارائه گزارش حاصل از پژوهش به تعدادی از مشارکت‌کنندگان جهت بازبینی آن‌ها به افزایش قابلیت اعتبار کمک نمودند. محققان به منظور کسب قابلیت اطمینان<sup>۳</sup> ضمن یادداشت برداری در طول پژوهش، فرایند تحقیق را با دقت و شفافیت کامل شرح دادند. آن‌ها در مورد ملاک تأییدپذیری<sup>۴</sup> نیز یافته‌های به دست آمده را با کمک ادبیات پژوهش از ملاک‌های لینکلن و گوبا<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) تبیین‌ها با داده‌های حاصل اطمینان یافتند. قابل ذکر است که مطالعه حاضر مطابق اصول اخلاقی رایج پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی انجام پذیرفته است؛ مشارکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه و با رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت کردند و در هر مرحله از تحقیق مکان خروج از مطالعه را داشتند. کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه علامه طباطبائی، طرح این پژوهش را مورد ارزیابی و تأیید قرار داد (کد اخلاق: IR.ATU.REC.1400.033).

## ابزار سنجش

**مصاحبه نیمه‌ساختاریافته:** در این مطالعه، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شدند. در انجام مصاحبه‌ها پس از پرسش‌های جمعیت‌شناختی به سؤالات محوری پرداخته می‌شد و سپس بر اساس پاسخگویی اطلاع‌دهنده، مصاحبه‌کننده با پرسیدن سؤالات پیگیری، پرسش‌های روش‌کننده و جزئی مصاحبه را هدایت می‌کرد. مصاحبه هشت سؤال محوری را در بر می‌گرفت که دو نمونه از سؤالات اصلی عبارت بودند از: ۱-«ممکنه لطفاً یکی از موقعیت‌هایی که همسرت احساسش رو ابراز می‌کرد برام تعریف کنی؟»-۲-«نسبت به ابراز هیجانات مثبت همسرت مثل شادی و محبت چه واکنشی نشون می‌دادی؟». لازم به ذکر است که سؤالات اصلی پژوهش حول محور مسائل زوجی بر اساس پیشینهٔ پژوهش تدوین شدند و پس از آن به منظور اعتباریابی در اختیار یکی از متخصصین این حوزه قرار

1. Lincoln & Guba

2. credibility

3. dependability

4. confirmability

گرفتند. پس از ارزیابی سؤالات موجود و افزودن سؤالات پیشنهادی توسط متخصص، پرسش‌هایی که مورد تأیید و توافق طرفین بودند به عنوان سؤالات پژوهش در نظر گرفته شدند. درنهایت، سؤالات مربوطه در قالب دو مصاحبه آزمایشی ارزیابی شدند که به تبع آن پرسش‌های نامفهوم اصلاح گردید.

**پرسشنامه ارزیابی شخصی صمیمیت در روابط<sup>۱</sup> (PAIR):** این پرسشنامه به وسیله شافر و اولسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) طراحی شده و شامل ۳۶ گویه است که پنج بعد صمیمیت عاطفی، اجتماعی، جنسی، عقلانی و تفریحی را در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌های ۱، ۱۳، ۷، ۲۵، ۳۱ مربوط به بعد صمیمیت عاطفی است که به صورت معکوس و مستقیم نمره گذاری می‌شوند. نمرات حاصل از هر بعد صمیمیت در بازه ۳۰-۶ قرار می‌گیرد و هرچه نمرات بدست آمده بالاتر باشد، نشان‌دهنده صمیمیت بیشتر در رابطه زناشویی است. شافر و اولسون (۱۹۸۱) با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی هر بعد از صمیمیت را در محدوده ۰/۷۰ تا ۰/۷۷ محاسبه کرده و پایایی بعد صمیمیت عاطفی را ۰/۷۵-۰/۷۰ گزارش کردند. آن‌ها همچنین روایی این ابزار را از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و شاخص روایی همزمان را با پرسشنامه‌های مشابه مورد بررسی و تأیید قرار دادند؛ قابل ذکر است که همبستگی خرده مقیاس صمیمیت عاطفی این ابزار با پرسشنامه سازگاری زناشویی<sup>۳</sup> (لاک و والاس<sup>۴</sup>، ۱۹۵۹) و پرسشنامه خودافشایی<sup>۵</sup> (جرارد، ۱۹۶۴) به ترتیب ۰/۶۲ و ۰/۲۷ بود. اخلاقی امیری (۱۳۸۹) در پژوهش خود، همبستگی موجود بین نمرات حاصل از پرسشنامه مزبور و مقیاس صمیمیت<sup>۶</sup> (والکر و تامپسون<sup>۷</sup>، ۱۹۸۳) را معادل ۰/۷۴ براورد و روایی همزمان این پرسشنامه را تأیید کرد؛ به علاوه، پایایی کل پرسشنامه و زیرمقیاس صمیمیت عاطفی را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ و ۰/۸۱ گزارش کرد. در پژوهش حاضر پایایی خرده مقیاس صمیمیت عاطفی با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه شد.

## باقته‌ها

در گروه زنان با صمیمیت عاطفی بالا، ۱۱ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند که اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی زنان با صمیمیت عاطفی بالا

کد	سن	سال‌های زندگی مشترک	نمره صمیمیت عاطفی	تحصیلات	شغل
۱	۳۵	۱۴	۲۵	دیپلم	خانه‌دار
۲	۳۱	۱۰	۲۲	کارشناسی	خانه‌دار
۳	۵۴	۲۹	۲۸	دکتری	متخصص رادیولوژی
۴	۳۳	۱۰	۲۶	ارشد	خانه‌دار
۵	۲۶	۵	۲۷	ارشد	خانه‌دار
۶	۳۲	۷	۲۳	دکتری	معلم
۷	۲۷	۵	۲۹	کارشناسی	کارگزاری
۸	۲۵	۵	۲۲	کارشناسی	خانه‌دار
۹	۵۰	۲۷	۲۵	ارشد	خانه‌دار
۱۰	۳۰	۹	۲۴	کارشناسی	خانه‌دار
۱۱	۳۸	۱۹	۲۲	دیپلم	کار اجرایی و آموزش

1. Personal Assessment of Intimacy in Relationship (PAIR)

2. Schaefer & Olson

3. Marital Adjustment Scale

4. Locke & Wallace

5. Self-disclosure Scale

6. Jourard

7. Intimacy Scale (SI)

8. Walker & Thompson

همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین سن، سال‌های زندگی مشترک و نمرات صمیمیت عاطفی این گروه معادل ۳۴/۶ و ۱۲/۷ و ۲۴/۹ محسوبه شده است. مضمون هسته‌ای به دست آمده در نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌های مستخرج از مصاحبه با گروه صمیمیت عاطفی بالا عبارت بود از: «به نظر می‌رسد زنان با صمیمیت عاطفی بالا نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت فعلانه و انعطاف‌پذیر، پاسخ‌های سازنده می‌دهند و ضمن همراهی با هیجانات شریک زندگی، زمینه ابرازگری مناسب را فراهم می‌سازند». مضمون هسته‌ای مذکور شامل پنج مضمون اصلی و ۳۵ مضمون فرعی می‌باشد که در ادامه به تفصیل شرح داده خواهد شد.

#### ۱- مضمون اصلی اول: همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن

مضمون اصلی اول نشان می‌دهد که زنان با صمیمیت عاطفی بالا ضمن پذیرش هیجانات همسر با همراهی و واکنش مطلوب به آن‌ها پاسخ می‌دادند. این مضمون اصلی در برگیرنده هفت مضمون فرعی است که عبارتند از: «توجه به هیجان و پذیرش آن»، «تأیید هیجان»، «واکنش به هیجان منفی مطابق با میل همسر»، «همراهی با هیجانات مثبت و منفی»، «قدرشناسی از ابراز محبت و محبت متقابل»، «اطمینان‌آفرینی هنگام مواجهه با هیجان منفی» و «همدلی با هیجانات منفی».

شرکت‌کننده (۱) در این زمینه اظهار داشت: «وقتی ناراحتیشو می‌گه، اول تأییدش می‌کنم که آره واقعًا حق داشتی فلانی اینو گفت و تو ناراحت شدی و حق با تو بود». شرکت‌کننده دیگری (۰۰) بیان کرد: «نقش منم معمولاً اینه که طرف رو ول نمی‌کنم با هیجاناتش، هر هیجانی که باشه... سعی می‌کنم همراهی کنم و تنهاش نذارم تو هیجاناتش».

#### ۲- مضمون اصلی دوم: همراهی در پردازش شناختی هیجان

مضمون اصلی دوم بدین معناست که در این گروه، زنان به واکاوی علل زیربنایی هیجانات پرداخته و سعی داشتند تا با کمک همسر مسئله موجود را حل نمایند. مضمون اصلی مزبور شامل سه مضمون فرعی «واکاوی علل پس از کاهش بار هیجانی»، «اصرار بر واکاوی علل و گفتگو در مورد آن» و «مساعدت شناختی در حل مسئله» می‌باشد.

دو نمونه از مشارکت‌کنندگان بدین صورت توصیف کردند: «مثلاً یه روز، دو روز می‌گذره دوباره در مورد مسئله با همدیگه هم‌فکری می‌کنیم حالا کم یا زیاد هرجی بالاخره یه راه‌حلی برash پیدا می‌کنیم، سعی می‌کنیم یه راه حل دوستی برash پیدا کنیم اگه هیچ کدوم به نتیجه نرسیدیم» (مشارکت‌کننده ۴). «گه بتولیم کاری انجام بدیم تو اون موضوع حتماً سعی می‌کنم که همفکری بکنم باهشون و باهم یه چاره‌ای پیدا کنیم اگه مشکلی بالاخره وجود داره که اون استرس و ترس رو ایجاد کرده» (مشارکت‌کننده ۳).

#### ۳- مضمون اصلی سوم: پاسخ‌دهی کنن‌گرانه

این گروه از زنان در برابر هیجانات و نحوه ابرازگری همسر به شکل سازنده‌ای واکنش نشان داده و منفعانه رفتار نمی‌کردند. دوازده مضمون فرعی «سکوت اما همراهی فیزیکی»، «گوش دادن فعال به ابراز کلامی هیجانات»، «کاهش هیجان منفی با تماس فیزیکی و کلامی»، «کاهش بار هیجان منفی با پذیرش نقش خود در بروز آن»، «همانندسازی با هیجان مثبت»، «تدابع هیجان مثبت با استفاده از تجارب زیسته»، «کنیشگری در صورت انفعال و نالمیدی همسر»، «واکنش بر اساس ارزیابی واقع‌گرایانه هیجان»، «پاسخ مناسب به نحوه ابرازگری همسر»، «بستری‌سازی در جهت تسهیل ابرازگری همسر»، «پاسخگویی تأملی و نه بازخورد تکانشی» و «کنیشگری در برانگیختن هیجان تعلق» در ذیل این مضمون اصلی قرار می‌گیرند.

به عنوان نمونه مشارکت‌کننده (۲) اشاره داشت: «عصبانی که بود منم دیگه دستاشو گرفتم، بغلش کردمو دیگه آرومش کردم و گفتم بخشنید اشتیاه از من بود». بعلاوه، مشارکت‌کننده (۵) بیان کرد: «گه ناراحتیشو نگه اما متوجهش بشم بستگی به موضوع داره که مثلاً بخواه بهش بگم / احساس می‌کنم برا چیزی نگرانی مثلاً از این در وارد بشم تا بخواه به زیون بیاره یا بگم امشب کمتر حرف زدی، آشفته بودی».

#### ۴- مضمون اصلی چهارم: زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر

زنان با صمیمیت عاطفی بالا از زمان کمک می‌گرفتند تا ابرازگری همسر را بهبود بخشنند و بهطورکلی، در پاسخ‌دهی خود زمان‌بندی را لحاظ می‌کردند. این مضمون اصلی، چهار مضمون فرعی «کمک به ابرازگری هیجان در گستره زمان»، «عدم تمرکز بر حل مسئله تا کاهش بار هیجانی»، «پاسخگویی پس از ابرازگری کامل همسر» و «پردازش هیجان منفی در وضعیت شناختی-هیجانی مطلوب» را در بر می‌گیرد.

تعدادی از مشارکت‌کنندگان در همین راستا عنوان کردند: «گه عصبانی باشه سکوت می‌کنم تا آروم بشه و بفهمه که عصبانیش رو باید به دیالوگ تبدیل کنه. بعدش حرف می‌زنیم» (مشارکت‌کننده ۶). «وقتی ناراحته، سکوت می‌کنه. اوایل شدیدتر بود قبلنا سکوت طولانی

شاید تا یک ماه هم به زور میتوانستی سر حرفش بیاری ولی انقد من حرف زدم الان بهتره، سکوت‌ش کوتاه‌تره و به یکی دو روز رسیده دیگه» (مشارکت‌کننده ۹).

#### ۵- مضمون اصلی پنجم: اقدامات اصلاحی

زنان در گروه صمیمیت عاطفی بالا از راهکارهای مختلفی بهمنظور اصلاح سبک ابرازگری همسر و بهبود وضعیت خلقی-هیجانی او استفاده می‌کردند. پنج مضمون فرعی در ذیل این مضمون اصلی قرار دارد که عبارتند از: «تقلیل هیجان منفی با مشورت شخص ثالث»، «تقلیل هیجان منفی از طریق معنویت»، «تلاش در راستای اصلاح سبک ابرازگری»، «کمک به شکل‌گیری سبک درست مقابله با هیجان»، «تمرکز زدایی از هیجان منفی»، «آرامسازی همسر از طریق راهبردهای مختلف» و «ارائه راهکار بر اساس ارزیابی موقعیت و نیاز همسر». مشارکت‌کننده (۶) در این زمینه گفت: «برای اینکه محبت‌ش رو تو رفتارم بهم نشون بده، به‌طور مدام باهاش حرف می‌زدم». همچنین مشارکت‌کننده (۸) بیان کرد:

«همسرم بیشتر ناامیده از کارش و موقعیت اجتماعیش یا مثلاً یکم ریشash سفیدی درآورده می‌گه پیر شدم، چند وقت پیش دیدم خیلی این قضیه پیر شدم داره تکرار می‌شه و به نظرم تکرار همین واژه باعث حس بد آدم می‌شه بعد به بار اومدم دست گذاشتم رو نقطه ضعف‌ش گفتم میدونی اینکه هی می‌گی بیر شدم و از شرابیت بدت می‌گی تنها جی رو نشون میده؟ اینکه تو توی زندگیت اصلاً راضی نیستی و احساس خوشحالی نداری بعد گفت نه به خدا میدونی شوخی می‌کنم، گفتم نه شوخيش قشنگ نیس و الان تونستم تاحدی کنترلش کنم که اصلاً این واژه رو نمی‌گه، واژه‌های مشابه مثبت‌ش رو استفاده می‌کنم».

#### ۶- مضمون اصلی ششم: مدیریت محرك‌های محیطی

در این گروه، زنان سعی داشتند تا با کنترل شرایط محیطی جهت کاهش هیجان منفی و پیشگیری از آن گام بردارند؛ مخصوصاً در مواقعی که امکان مداخله مستقیم فراهم نبود. مضمون اصلی مذکور شامل چهار مضمون فرعی «فراهم‌کردن شرایط آرامبخش»، «کاهش هیجانات محیطی»، «کنترل شرایط محرك هیجان منفی» و «مفرح کردن شرایط محیطی» می‌باشد.

یکی از مشارکت‌کننده‌گان اشاره داشت: «واراحت که باشه، دمنوش‌های آرامش‌بخش مثلاً برash درست می‌کنم حتی اگه خودشم نگه دیگه چون مدلش رو میدونم اونا رو درست می‌کنم بهش میدم بخوره» (شرکت‌کننده ۱). شرکت‌کننده دیگری (۱۱) ذکر کرد: «گه بفهمم مضطربه، محیط خونه رو آروم می‌کنم یعنی مثلاً به بچه‌ها می‌گم شلوغ‌کاری نکنین یا اگه خودم کاری داشته باشم که بدونم روی مخشی یا اعصابشو بهم میریزه انجام نمی‌دم».

در گروه زنان دارای صمیمیت عاطفی پایین با نه نفر مصاحبه شد که اطلاعات جمعیت‌شناختی هریک در جدول زیر شرح داده شده است.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی زنان با صمیمیت عاطفی پایین

کد	سن	سال‌های زندگی مشترک	نمره صمیمیت عاطفی	تحصیلات	شغل
۱	۵۰	۳۱	۱۳	دیپلم	خانه‌دار
۲	۲۷	۸	۱۱	دیپلم	فینگرفود و دسر
۳	۲۷	۸	۱۲	کارشناسی	خانه‌دار
۴	۳۸	۱۷	۹	کارشناسی	خانه‌دار
۵	۳۸	۱۸	۱۰	کارشناسی	خانه‌دار
۶	۴۲	۱۶	۹	ارشد	خانه‌دار
۷	۲۶	۶	۸	دیپلم ردي	خانه‌دار
۸	۵۴	۳۱	۱۲	دیپلم	خانه‌دار
۹	۲۹	۷	۹	کارشناسی	خانه‌دار

طبق جدول شماره ۲ میانگین سن، سال‌های زندگی مشترک و نمرات صمیمیت عاطفی این گروه به ترتیب ۱۵/۷، ۳۶/۷ و ۱۰/۳ می‌باشد. درنتیجه تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از گروه زنان با صمیمیت عاطفی پایین، ۳۲ مضمون فرعی استخراج و در قالب شش مضمون اصلی طبقه‌بندی شدند. مجموع مضمونین مستخرج شده به یک مضمون هسته‌ای منتج شد که عبارت بود از: «به نظر می‌رسد زنان با صمیمیت عاطفی پایین نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت منفعلانه و انعطاف‌ناپذیر، پاسخ‌های مخرب می‌دهند و ضمن عدم همراهی

مقایسه پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین

Comparing the behavioral responses in face of spouse's emotion expression between women with high and low level ...

با هیجانات شریک زندگی، زمینه ابرازگری نامناسب را فراهم می‌سازند». جهت درک بهتر یافته‌ها در ادامه به هریک از مضامین اصلی و فرعی پرداخته خواهد شد.

### ۱- مضامون اصلی اول: عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن

مضامون اصلی اول بیانگر این است که زنان با صمیمیت عاطفی پایین علاوه بر بی‌توجهی به هیجانات همسر و عدم پذیرش آن‌ها، هرگونه همراهی خود را نیز دریغ می‌کردند. این مضامون اصلی، نه مضامون فرعی «بی‌توجهی به هیجانات همسر و محافظت از خود و فرزندان»، «نادیده گرفتن هیجان با تأکید بر عملکرد»، «عدم پردازش عمیق هیجانات همسر»، «انتقاد از نحوه ابرازگری همسر»، «سرزنش همسر هنگام مواجهه با هیجان منفی»، «درک و تأیید نکردن هیجانات همسر»، «بی‌اهمیتی / همراهی نکردن با هیجانات»، «اجتناب از حل مسائل هیجانی» و «سهیم نشندن در هیجانات همسر» را دربردارد.

دو نمونه از مشارکت‌کنندگان در این راستا اشاره داشتند: «بین من جدیداً به خاطر یه سری مشکلات و اینا اصلاً کاراش برام مهم نیس دیگه، خوشحالم باشه یا ناراحت باشه اصلاً دیگه برام مهم نیس و توجهی نمی‌کنم» (مشارکت‌کننده ۷). «مهم‌تر/ینکه چون هیجاناتش برام مهم نیست، خودمو شریکش نمیدونم» (مشارکت‌کننده ۲).

### ۲- مضامون اصلی دوم: عقلانی سازی

زنان در این گروه ضمن عقلانی سازی هیجانات همسر از پاسخ‌های منطقی در برابر ابرازگری او استفاده می‌کردند. مضامون اصلی مذکور شامل دو مضامون فرعی «عقلانی کردن هیجانات» و «پاسخ عقلانی به هیجانات منفی» می‌باشد. مشارکت‌کننده (۶) در این زمینه بیان کرد:

«حساس گناه بیشتر بهش القا میکنن که مادرش سلطان داره و حالش خوب نیست... این موقع من صحبت می‌کنم که اونا دارن مسئولیت خودشونم میندازن رو تو، تو من و زندگیتو ولکنی بچسبی به مادرت. بهش میگم اونا جوری رفتار میکنن که این احساس بهت داده میشه ولی تو اندازه خودت تلاش کردي، یعنی تو کم نداشتی که احساس عذاب وجودان کنی».

### ۳- مضامون اصلی سوم: پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی

در سطح پایین صمیمیت عاطفی، پاسخگویی زنان غالباً بهصورت هیجانی بوده و آن‌ها در مواجهه با هیجانات همسر بهصورت تکانشی یا منفعانه رفتار می‌کردند. هشت مضامون فرعی در ذیل این مضامون اصلی عنوان شده که عبارتند از: «فرورفتن در گرداد هیجان منفی همسر»، «پافشاری بر موضع خود در برابر هیجان منفی همسر»، «فروکاستن هیجان منفی با استفاده از تهدید»، «پردازش هیجان منفی در شرایط هیجانی نامناسب»، «بی‌توجهی به عاملیت خود در ظهور هیجان منفی»، «همراهی با هیجان منوط به وضعیت خلقی»، «پاسخ انفعالی تسلیم در اثر احساس ترس» و «بی‌تفاوتی و عدم پاسخ‌دهی به هیجان».

یکی از مشارکت‌کنندگان (۷) توصیف کرد: «اول اون قاطی میکنه، دادویداد و فحش و اینا خب منم جدیداً خیلی عصبانی میشم دیگه حالا فحش و همه چی دیگه بهم میگیم... حتی واکنش من شاید شدیدترم بشه تا اون». مشارکت‌کننده دیگری (۸) گفت: «منم ناراحت می‌شم مثلاً اون دادوهوار می‌زنه بیشتر اوقات من می‌بینم تو خطرم سکوت می‌کنم، هیچی نمیگم و ادامه نمیدم».

### ۴- مضامون اصلی چهارم: شتاب‌زدگی در پاسخ‌دهی

این گروه از مشارکت‌کنندگان در پاسخگویی خود مؤلفه زمان را لاحظ نکرده و عجولانه نسبت به ابرازگری همسر واکنش نشان می‌دادند. مضامون اصلی مذکور در برگیرنده سه مضامون فرعی «کنجکاوی و پرسش شتاب‌زده در مورد شرایط هیجان‌آور»، «واکاوی علل در بحبوحه بار هیجان» و «راحل دادن در بحبوحه هیجان» می‌باشد.

دو نمونه از مشارکت‌کنندگان این‌گونه توضیح دادند: «از تلفن‌ش می‌فهمم که مثلاً ناراحته، منم بعد اینکه تلفن‌ش رو قطع میکنه بهش میگم چی بود جریان؟ چی می‌گفتی؟ چی شده؟ توضیح کاملم نمی‌ده در همون حد که از تلفن‌ها فهمیدم یه مختص توضیح میده» (مشارکت‌کننده ۱). «وقتی ناراحته خب می‌پرسم مثلاً چیشهده و اینا؟ میگه هیچی نشده اتفاقی نیفتد بعد میگم خب مثلاً چرا ناراحتی؟ میگه نه ناراحت نیستم، هیچی نشده مثلاً این جوری جواب میده» (مشارکت‌کننده ۳).

### ۵- مضامون اصلی پنجم: اقدامات تلافی جویانه

زنان با صمیمیت عاطفی پایین در پاسخ به ابرازگری نامطلوب همسر، دست به اقدامات تلافی جویانه می‌زدند. هفت مضامون فرعی مقوله‌بندی شده در ذیل این مضامون شامل «مثلث‌سازی در برابر هیجان منفی»، «اجتناب از رابطه جنسی»، «طرد همسر هنگام ابراز

محبت»، «مج گیری و برانگیختن هیجان منفی همسر»، «تحقیر همسر هنگام بروز هیجان منفی»، «تأخیر در پاسخگویی به هیجانات همسر» و «سوءاستفاده از هیجان منفی جهت اراضی نیاز خود» می‌باشد.

مشارکت‌کننده (۵) در این راستا بیان کرد: «نو عصبانیت مثلاً به جوری رفتار کردم گفتم بین اصن تو جلو من حرف می‌زنی انگار سگ داره واق واق میکنه، سعی کن از خودت زیاد مایه نداری». به علاوه، مشارکت‌کننده (۶) اشاره داشت: «آگه عصبانی و ناراحت باشم از دستش که اصلاً درهم به روش می‌بندم اینجوری، آره تو رابطه جنسی طردش می‌کنم. منم سعی می‌کنم وقتی منو ناراحت میکنه ردش کنم و باید بدوعن دنبال من».

#### ۶- مضمون اصلی ششم: پاسخ‌دهی گزینشی

زنان در این گروه همواره نسبت به ابرازگری همسر واکنش مطلوب نشان نداده و نحوه پاسخگویی آن‌ها منوط به نوع هیجان و موقعیت موجود بود. مضمون اصلی مزبور سه مضمون فرعی «عدم‌حمایت از تجربه هیجان مثبت خارج از چهارچوب خانواده»، «ترک موقعیت در صورت بروز هیجان منفی» و «تحوّه پاسخ‌دهی منوط به نوع هیجان» را دربر می‌گیرد. یکی از مشارکت‌کننده‌گان این‌گونه توضیح داد: «وقتی از یه چیزی می‌ترسه مظلوم میشه و من می‌تونم بهش نزدیک بشم اما موقعی که عصبانی نه من نمی‌تونم، آگه ترسیده باشه میداره بهش نزدیک بشی یعنی می‌تونم بگم مستله‌ای نیست و دستاشو بگیرم این همراهی رو میداره» (شرکت‌کننده ۴). مشارکت‌کننده دیگری (۱) گفت:

«وقتایی که مسافرت تفریحی با دوستاش میره، اولش خیلی قاطعه‌هه میره من هر چقدرم که بگم نرو، اون میره اما وقتی برمی‌گرده خیلی پشیمونه و احساس گناه میکنه. میاد من می‌گم که خب تعطیلی چی بود رفتی مارو گذاشتی! حالا با زن و بچه‌ات بودی بهتر نبود؟».

ضمن مقایسه مضماین اصلی گروه صمیمیت عاطفی بالا («همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن»، «همراهی در پردازش شناختی هیجان»، «پاسخ‌دهی کنش‌گرانه»، «زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر»، «اقدامات اصلاحی» و «مدیریت محرك‌های محیطی») با مضماین اصلی گروه صمیمیت عاطفی پایین («عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن»، «عقلانی‌سازی»، «پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی»، «شتاب‌زدگی در پاسخ‌دهی»، «اقدامات تلافی‌جویانه» و «پاسخ‌دهی گزینشی») می‌توان گفت که تفاوت بین دو گروه گویا در چهار محور انعطاف‌پذیری، سازنده بودن، همراهی کردن و عاملیت می‌باشد بطوریکه گروه اول منعطف‌تر، سازنده‌تر و فعالانه‌تر پاسخ داده و همراهی بیشتری از خود نشان می‌دهند درحالی که گروه دوم به صورت غیرمنعطف‌تر، مخرب و منفعلانه واکنش داده و تا حدودی همراهی خود را نیز دریغ می‌کنند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف مقایسه پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین انجام شد. بر اساس یافته‌های به دست آمده به نظر می‌رسد که در گروه صمیمیت عاطفی بالا، زنان نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت فعالانه و انعطاف‌پذیر، پاسخ‌های سازنده‌تری می‌دهند و ضمن همراهی با هیجانات شریک زندگی، زمینه ابرازگری مناسب را فراهم می‌سازند. تحلیل داده‌های حاصل از این گروه به شش مضمون اصلی («همراهی، توجه به هیجان و پذیرش آن»، «همراهی در پردازش شناختی هیجان»، «پاسخ‌دهی کنش‌گرانه»، «زمان‌بندی در پاسخ‌دهی به هیجان همسر»، «اقدامات اصلاحی» و «مدیریت محرك‌های محیطی») منتج شد. در ادامه، چند نمونه از این مضماین توصیف و تبیین شده‌اند.

همان‌گونه که مطرح شد، زنان با صمیمیت عاطفی بالا افزون بر پذیرش و توجه به نشانگان هیجانی همسر، با آن‌ها همراه می‌شوند. این یافته با نتایج پژوهش حریری<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، نعمتی و همکاران (۱۳۹۹) و یوسفی افراشته و حیاتی (۱۴۰۰) همسو می‌باشد به‌گونه‌ای که حریری و همکاران (۲۰۲۰) و یوسفی افراشته و حیاتی (۱۴۰۰) درک مقابل، همراهی و حمایت را از عناصر مهم صمیمیت زوجی و کیفیت رابطه زناشویی قلمداد کردند. الگوی کرستن و هیمل (۱۹۹۱) حمایت عاطفی را از جمله مؤلفه‌های مهم به وجود آور نه صمیمیت زناشویی تلقی می‌کند که برای آن چهار محور گستره، مدت‌زمان، عمق و تقابل را برمی‌شمرد. تبیین یافته مزبور طبق این الگو

چنین می‌نماید که زنان با صمیمیت عاطفی بالا محتملاً حمایت عاطفی را در چهار محور موردنظر به خوبی به نمایش می‌گذارند. به عبارتی، در این گروه به نظر می‌رسد که زنان افزون بر هیجانات مثبت، هنگام بروز هیجانات منفی همسر نیز فارغ از هرگونه قضاوت ارزشی، پاسخگویی همدلalte داشته و حمایت عاطفی خود را در گستره وسیعی از هیجانات نشان می‌دهند. آن‌ها همچنین با درنظرگیری محورهای مدت‌زمان و عمق محتملاً ضمن توجه به زمان‌بندی در پاسخگویی، با صداقت و میل قلبی در برابر ابرازگری همسر پاسخ‌های حمایت‌گرانه می‌دهند. درنهایت، وجود حمایت عاطفی به منزله رکن مهم شکل‌دهنده صمیمیت زناشویی در این گروه می‌تواند فضای ایمن و زمینه‌ای را فراهم سازد که مشوق مردها به ابرازگری بوده و تقابل بین حمایت عاطفی و ابرازگری احتمالاً تسهیلگر فرایند تکوین صمیمیت باشد.

مطالعه حاضر همچنین نشان داد که زنان در گروه صمیمیت عاطفی بالا نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت فعالانه و سازنده پاسخگو بودند. این یافته با نتایج حاصل از پژوهش پیرساقی و همکاران (۱۳۹۶) و مهدی‌نژاد قوشچی و اسدپور (۱۳۹۷) و درخش و همکاران (۱۳۹۸) همسو است. مهدی‌نژاد قوشچی و اسدپور (۱۳۹۷) در پژوهش خود با تأکید بر نقش گوش دادن فعال و گفت‌وگوی منطقی در گستره زندگی غالباً با پیامدهای نامطلوبی همراه بوده و نوعی آسیب‌پذیری محسوب می‌شود؛ لذا صمیمیت در تعاملات دارند که ابرازگری در گستره زندگی غالباً با تقویت رابطه، نتایج مشابهی را گزارش کردند. کاردووا و اسکات (۲۰۰۱) در الگوی رفتاری خود اذعان دارند که ابرازگری آسیب‌پذیر در رابطه مورد تقویت قرار گرفته و در مقابل، رفتارهای غیرصمیمانه تنبيه شوند. در تبیین این زمانی رخ می‌دهد که این رفتار آسیب‌پذیر در رابطه موردنزدی در تقویت قرار گرفته و در مقابل، رفتارهای غیرصمیمانه تنبيه شوند. در تبیین این یافته بر مبنای الگوی رفتاری مذکور به نظر می‌رسد که زنان در گروه صمیمیت عاطفی بالا غالباً با تقلیل هیجانات منفی همسر و تداوم‌بخشی به هیجانات مثبت او سعی دارند تا با پاسخگویی مطلوب خود، ابرازگری همسر را تقویت نمایند. از سوی دیگر، معمولاً زنان این گروه در برابر سبک نامطلوب ابرازگری همسر فعالانه واکنش نشان داده و در تلاش‌اند تا با تنبیه رفتارهای مخرب، کیفیت رابطه موجود را بهبود بخشنند. در نتیجه گمان می‌رود که زنان طی این فرایند با ارتقا رفتارهای متناسب با صمیمیت به شکل‌گیری آن در رابطه زوجی کمک نمایند.

در مقابل، بر اساس یافته‌های حاصل از گروه با صمیمیت عاطفی پایین، به نظر می‌رسد که زنان نسبت به ابراز هیجانات همسر به صورت منفعانه و انعطاف‌ناپذیر، پاسخ‌های مخرب می‌دهند و ضمن عدم همراهی با هیجانات شریک زندگی، زمینه ابرازگری نامناسب را فراهم می‌آورند. در نتیجه تحلیل داده‌های مستخرج از این گروه، شش مضمون اصلی «عدم همراهی، فقدان توجه به هیجان و عدم پذیرش آن»، «عقلانی‌سازی»، «پاسخ‌دهی هیجانی واکنشی»، «ستابزدگی در پاسخ‌دهی»، «قدامات تلافی جویانه» و «پاسخ‌دهی گزینشی» به دست آمد.

همان‌گونه که شرح داده شد، زنان با صمیمیت عاطفی پایین هیجانات همسر را نپذیرفته و همراهی خود را از وی دریغ می‌کردند. این یافته مشابه نتایج پژوهش اسماعیلی‌فر و همکاران (۱۳۹۸)، دهدشت و قبادی (۱۳۹۹) و یگانه‌فرد و همکاران (۱۴۰۱) می‌باشد؛ به گونه‌ای که یگانه‌فرد و همکاران (۱۴۰۱) و دهدشت و قبادی (۱۳۹۹) نشان دادند عدم درک و همدلی، بی‌توجهی و فقدان حمایت در کیفیت و پایداری رابطه زناشویی نقش دارد. در تبیین یافته مذبور به نظر می‌رسد که زنان در این گروه غالباً قائل به هویت زوجی نبوده و احتمالاً به جای تمرکز بر رابطه و بهبود آن، بر محافظت از خود تأکید دارند. درنتیجه، گمان می‌رود که این افراد با متمایز کردن خود از هیجانات همسر و بی‌توجهی نسبت به آن‌ها احتمالاً شریک زندگی خویش را از ابرازگری دلسرد می‌کنند و صمیمیت را تنزل می‌دهند. به علاوه، این را نیز نباید از نظر دور داشت که رابطه بین صمیمیت، ابراز هیجان همسر و پاسخ رفتاری فرد، رابطه خطی یک‌طرفه نیست بلکه یک برهمنکش در میان این سه جاری است که می‌تواند یک چرخه خودتشدیدشونده ایجاد نماید. به عبارت دیگر، در این گروه ممکن است زمینه صمیمیت عاطفی پایین (سطح پایه صمیمیت در مراحل ابتدایی شکل‌گیری رابطه) موجب شود که زنان میل کمتری به همدلی و همراهی با همسر خود داشته باشند و این به نوبه خود می‌تواند ابرازگری همسر و نهایتاً پاسخ‌های رفتاری فرد به آن ابرازگری را تحت الشاعر قرار دهد.

یافته دیگری نشان داد که زنان در گروه صمیمیت عاطفی پایین ضمن عقلانی‌سازی هیجانات همسر اغلب به صورت کاملاً منطقی به آن‌ها بازخورد می‌دادند. این یافته با نتایج حاصل از مطالعه پژوهش (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. پژوهش (۱۳۹۹) با بررسی نحوه پذیرش متقابل در زوچهایی که صمیمیت عاطفی پایین را تجربه می‌کنند به دو مضمون «عقلانی کردن» و «عقلانی کردن هیجانات و گوش شنوا نداشتن» اشاره کرد. با توجه به کلیشه‌های جنسیتی-فرهنگی، مردان غالباً به منزله قدرت در نظر گرفته می‌شوند و ابراز هیجان از جانب آن‌ها چندان پذیرفته شده نیست؛ در همین راستا، ظهرهوند (۱۳۸۳) نشان داد که ابراز رفتارهای عاطفی از جانب پسران انتقاد دیگران را به دنبال دارد و آن‌ها با رفتارهایی همچون مهربانی و گریه کردن گویا برخلاف نقش جنسیتی مورد انتظار جامعه عمل می‌کنند. درنتیجه،

به نظر می‌آید که زنان با صمیمیت عاطفی پایین هنگام ابرازگری همسر احتمالاً برای بُعد هیجانی آن اهمیت چندانی قائل نبوده و سعی دارند با پاسخگویی منطقی جهت حذف هیجان موجود گام بردارند. به عبارتی گویا در این سطح از صمیمیت زنان فارغ از هرگونه نگاه انتقادی، کلیشه‌های جنسیتی-فرهنگی موجود را می‌پذیرند که به تبع آن احتمال می‌رود ضمن بی‌اعتبارسازی هیجانات مردان در رابطه ابرازگری همسر را خاموش ساخته و مانع شکل‌گیری صمیمیت عاطفی شوند.

یافته دیگر پژوهش روشن ساخت که زنان با صمیمیت عاطفی پایین به صورت منفعلانه و یا تکانشی و بدون تأمل به ابراز هیجانات همسر پاسخ می‌گویند. این یافته با نتایج مطالعات افراسیابی و دهقانی دارامروд (۱۳۹۵)، طاهری بنچناری و همکاران (۱۳۹۷) و ملایی و همکاران (۱۳۹۷) همسو بود. طاهری بنچناری و همکاران (۱۳۹۷) و ملایی و همکاران (۱۳۹۷) مشابه نتایج حاصل به نقش پاسخ‌های از قبیل تهمت، تهدید، دعوا، معذرت‌خواهی نکردن، سکوت و قهر در کاهش کیفیت رابطه زناشویی و پایداری آن اشاره کردند. در تبیین یافته مذکور می‌توان از نظریه گاتمن (۲۰۱۵) استفاده کرد. گاتمن از چهار سوار ویرانگر در تعامل زوجین نام می‌برد که از میان آن‌ها دو الگوی رفتاری مخرب «جبهه‌گیری» و «سکوت و کناره‌گیری» در اکثر زنان با صمیمیت عاطفی پایین قابل روئیت است. به نظر می‌رسد زنان این گروه در برابر هیجانات منفی همسر مقابله‌به‌مثل کرده یا با سکوت و بی‌تفاوتی واکنش نشان می‌دهند که در نتیجه آن محتملأً بسیاری از مسائل زوجی حل نشده باقی مانده و به کاهش کیفیت رابطه زوجی منجر می‌شود.

به طور کلی چنین استنباط می‌شود که بین پاسخ‌های رفتاری نسبت به ابراز هیجانات همسر در دو گروه زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین در چهار محور انعطاف‌پذیری، سازنده بودن، همراهی کردن و عاملیت تفاوت‌هایی وجود دارد. در مطالعاتی که جهت نشان دادن همخوانی‌ها و ناهمخوانی‌ها استفاده شد به رابطه نحوه پاسخگویی به ابراز هیجان و صمیمیت عاطفی پرداخته نشده است بلکه صرفاً به این جهت ذکر شدند که مؤلفه‌های دخیل در پایداری و کیفیت رابطه زناشویی را بررسی کردند؛ لذا یافته‌های مطالعه حاضر در نوع خود نوآورانه بوده و به صورت خاص الگوی پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجان همسر را روشن می‌سازند.

مطالعه حاضر همچنین با محدودیت‌هایی مواجه بود. نظر به اینکه گردد آوری اطلاعات از طریق مصاحبه انجام شد، ممکن است مصاحبه‌شوندگان در پاسخگویی خود سوگیری داشته و از بیان کلیه حقایق موجود پیرامون پاسخ‌های رفتاری خود اجتناب ورزند. قابل ذکر است که با توجه به ماهیت پژوهش و اینکه یافته‌های ارائه شده صرفاً انعکاس تجربه مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر است، نتایج قابل تعمیم نمی‌باشند. پیشنهاد می‌گردد مطالعات مشابهی در زمینه‌های فرهنگی مختلف انجام پذیرد تا بتوان الگوی یافته‌های حاصل را مورد مقایسه و مقابله قرار داد. همچنین به مشاوران و روان‌درمانگران توصیه می‌شود با به کار گیری یافته‌های موجود در جلسات درمانی و آموزشی، صمیمیت زوجی را تا حدودی ارتقا بخشیده و از ایجاد گسست عاطفی پیشگیری نمایند.

## منابع

- اخلاقی امیری، ص. (۱۳۸۹). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی گروهی مبتنی بر خود نظم‌بخشی در افزایش صمیمیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشتۀ روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- اسماعیلی‌فر، ن، جایرونده، ح، رسولی، م، و حسنی، ج. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل زمینه‌ساز فرسودگی زناشویی. پژوهشنامه زنان، ۱۰، ۲۷، ۵۱-۲۵.  
<https://doi.org/10.30465/ws.2019.4029>
- افراسیابی، ح، و دهقانی دارامرود، رقیه. (۱۳۹۵). زمینه‌ها و نحوه مواجهه با طلاق عاطفی میان زنان شهر یزد. زن در توسعه و سیاست، ۱۴، ۲۵۵-۲۵۱.  
<https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.59203>
- پژوهش، ش. (۱۳۹۹). مقایسه ابرازگری هیجانی و پذیرش مقابل هیجانات بر مبنای میزان صمیمیت زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشتۀ مشاوره خانواده، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- پیرساقی، ف، زهراکار، ک، کیامنش، ع، محسن زاده، ف، و حسنی، جعفر. (۱۳۹۶). شاخص‌های ارتباط زناشویی کارآمد: یک مطالعه کیفی. مشاوره کاربردی، ۷، (۱): ۲۶-۱.  
<https://doi.org/10.22055/jac.2017.22007.1464>
- درخش، ع، اصلاحی، خ، و کرایی، ا. (۱۳۹۸). تدوین الگوی اردواج موفق: یک پژوهش کیفی. پژوهشنامه زنان، ۱۰، ۲۷، ۷۳-۹۷.  
<https://doi.org/10.30465/ws.2019.4030>
- دهدست، ک، و قبادی، ش. (۱۳۹۹). تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک فراتحلیل کیفی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱، (۴۳)، ۱۲۱-۱۵۸.
- <https://doi.org/10.22054/qccpc.2020.47218.2230>

Comparing the behavioral responses in face of spouse's emotion expression between women with high and low level ...

- رضایپور میرصالح، ی.، ریحانی کیوی، ش.، خیاز، م.، و ابوتراپی کاشانی، پ. (۱۳۸۹). مقایسه رابطه بین مؤلفه‌های ابرازگری هیجانی و خودپنداش در دانشجویان دختر و پسر، روان‌شناسی کاربردی، ۴(۲)، ۵۱-۴۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20084331.1389.4.2.5.5>
- شهربیوی، ش.، کاظمیان مقدم، ک.، خلafi، ع.، و مهرابی زاده هنرمند، م. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه استنادهای ارتباطی، خودکارآمدی جنسی و تعهد زناشویی با سازگاری زوجی. مشاوره کاربردی، ۱۰(۲)، ۱۴۳-۱۲۳. <https://doi.org/10.22055/JAC.2021.36124.1777>
- طاهری بنچناری، ر.، آقاجانی مرساء، ح.، و کلدی، ع. (۱۳۹۷). واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدها در شهر تهران ۱۳۹۵. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۹(۲)، ۱۶۴-۱۳۹.
- ظاهریوند، ر. (۱۳۸۳). رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس. مجله زنان در توسعه و سیاست، ۲(۲)، ۱۱۷-۱۲۵.
- گاتمن، ج. (۲۰۱۵). علم عشق. ترجمه هاشم پوریامهر (۱۳۹۶). تهران: دانزه.
- ملایی، ر.، اسماعیلی، م.، و ملایی، م.ح. (۱۳۹۷). مطالعه کیفی نقش زبان در روابط زوج‌های متعارض، رویکردی مبتنی بر نظریه داده بنیاد. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۳(۴۴)، ۶۵-۲۷.
- مهندی نژاد قوشچی، ر.، و اسدپور، اسماعیلی. (۱۳۹۷). شناسایی شاخص‌های گفتگوی مؤثر زوجین: مطالعه‌ای پدیدار شناختی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۳(۴۴)، ۶۷-۸۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26454955.1397.13.44.3.6>
- نعمتی سوگلی تپه، ف.، صالحی، ک.، رحیمی، ف.ا.، و خالدیان، م. (۱۳۹۹). مؤلفه‌های کیفیت زندگی زناشویی: یک مطالعه فراتر کیب. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۰(۱)، ۴۵-۶۸.
- یگانه‌فرد، ل.، وزیری، س.، و افشاری، ع. (۱۴۰۱). واکاوی عوامل مرتبط با صمیمیت و رضایتمندی زناشویی در بین زوجین ناسازگار. مشاوره کاربردی، ۱۲(۱)، ۶۳-۹۰.
- یوسفی افراسته، م.، و حیاتی، م. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های خوشبختی زوجی در خانواده‌های ایرانی: رویکرد نظریه زمینه‌ای. نشریه علمی رویش روان‌شناسی، ۱۰(۵)، ۸۷-۹۶.
- Albarracín, D., Johnson, B. T., & Zanna, M. P. (Eds.). (2014). *The handbook of attitudes*. New York: Psychology Press.
- Alonso-Ferres, M., Imami, L., & Slatcher, R. B. (2020). Untangling the effects of partner responsiveness on health and well-being: The role of perceived control. *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(4), 1150-1171. <https://doi.org/10.1177/0265407519884726>
- Alonso-Ferres, M., Righetti, F., Valor-Segura, I., & Expósito, F. (2021). How power affects emotional communication during relationship conflicts: the role of perceived partner responsiveness. *Social Psychological and Personality Science*, 12(7), 1203-1215. <https://doi.org/10.1177/1948550621996496>
- Bagarozzi, D. A. (2014). *Enhancing intimacy in marriage: A clinician's guide*. New York: routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315787053>
- Balzarini, R. N., Muise, A., Zoppolat, G., Di Bartolomeo, A., Rodrigues, D. L., Alonso-Ferres, M., ... & Slatcher, R. B. (2020). Love in the time of COVID: Perceived partner responsiveness buffers people from lower relationship quality associated with COVID-related stressors. *Social psychological and personality science*. <https://doi.org/10.1177/19485506221094437>
- Berkos, K. M., & Denham, J. (2017). Intimacy, marital satisfaction, and third party imagined interactions. *Imagination, Cognition and Personality*, 36(3), 312-330. <https://doi.org/10.1177/0276236616683897>
- Birnbaum, G. E., Reis, H. T., Mizrahi, M., Kanat-Maymon, Y., Sass, O., & Granovski-Milner, C. (2016). Intimately connected: The importance of partner responsiveness for experiencing sexual desire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 111(4), 530-546. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/pspi0000069>
- Cameron, L. D., & Overall, N. C. (2018). Suppression and expression as distinct emotion-regulation processes in daily interactions: Longitudinal and meta-analyses. *Emotion*, 18(4), 465-480. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000334>
- Cordova, J. V., & Scott, R. L. (2001). Intimacy: A behavioral interpretation. *The Behavior Analyst*, 24(1), 75-86. <https://doi.org/10.1007/BF03392020>
- Fischer, A. H., & Manstead, A. S. (2008). *Social functions of emotion. Handbook of emotions*. New York: Guilford.
- Friedlmeier, W., Corapci, F., & Cole, P. M. (2011). Emotion socialization in cross-cultural perspective. *Social and personality psychology compass*, 5(7), 410-427. <https://doi.org/10.1111/j.1751-9004.2011.00362.x>
- Hariri, P., Etemadi, O., & Abedi, A. (2020). Investigation of factors affecting the marital intimacy of veteran couples: a qualitative study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 9(3), 239-250. <https://doi.org/10.22062/jqr.2020.91516>
- Hosseini, H. M., & Movahedi, A. (2016). Imago therapy: a strategy to improve couples lovemaking. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 7(4 S1), 242-248. <http://dx.doi.org/10.5901/mjss.2016.v7n4s1p242>
- Jourard, S. M. (1964). *The transparent self: Self-disclosure and well-being*. Princeton, NJ: Van Nostrand.
- Kardan-Souraki, M., Khani, S., Hamzehgardeshi, Z., & Mohammadpour, R. A. (2018). Socio-Demographic Factors Predicting Marital Intimacy in a Sample of Iranian Couples: A Cross-Sectional Study. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 12(3), e9023. <http://dx.doi.org/10.5812/ijpbs.9023>

- Karimi, R., Bakhtiyari, M., & Arani, A. M. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiology and health*, 41. <https://doi.org/10.4178/epih.e2019023>
- Kersten, K. K., & Himle, D. P. (1991). Marital intimacy: A model for clinical assessment and intervention. *Journal of Couples Therapy*, 1(3-4), 103-121. [https://doi.org/10.1300/J036v01n03\\_09](https://doi.org/10.1300/J036v01n03_09)
- Kim, J. S., & Kang, S. (2021). Influence of Marital Intimacy and Health Promoting Lifestyle on Happiness among Middle-aged Adults. *NVEO-Natural Volatiles & Essential Oils Journal/ NVEO*, 2494-2500. <https://www.nveo.org/index.php/journal/article/view/801>
- Laurenceau, J. P., Barrett, L. F., & Rovine, M. J. (2005). The interpersonal process model of intimacy in marriage: A daily-diary and multilevel modeling approach. *Journal of family psychology*, 19(2), 314-323. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.19.2.314>
- Lee, M., Kim, Y. S., & Lee, M. K. (2021). The Mediating Effect of Marital Intimacy on the Relationship between Spouse-Related Stress and Prenatal Depression in Pregnant Couples: An Actor–Partner Interdependent Model Test. *International journal of environmental research and public health*, 18(2), 487. <https://doi.org/10.3390/ijerph18020487>
- Lim, N. (2016). Cultural differences in emotion: differences in emotional arousal level between the East and the West. *Integrative medicine research*, 5(2), 105-109. <https://doi.org/10.1016/j.imr.2016.03.004>
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage Publications, Inc.
- Locke, H. J., & Wallace, K. M. (1959). Short marital-adjustment and prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage and family living*, 21(3), 251-255. <https://doi.org/10.2307/348022>
- Magsamen-Conrad, K., Venetis, M. K., Cheeton, M. G., & Greene, K. (2018). The role of response perceptions in couples' ongoing cancer-related disclosure. *Health communication*, 34(9), 999-1009. <https://doi.org/10.1080/10410236.2018.1452091>
- Marar, Z. (2012). *Intimacy: Understanding the subtle power of human connection*. London: Routledge.
- Masters, R. A. (2013). *Emotional intimacy: A comprehensive guide for connecting with the power of your emotions*. Sounds True.
- Meshkat, M., & Nejati, R. (2017). Does emotional intelligence depend on gender? A study on undergraduate English majors of three Iranian universities. *SAGE Open*, 7(3), 2158244017725796. <https://doi.org/10.1177/2158244017725796>
- Pan, W., Feng, B., & Skye Wingate, V. (2018). What you say is what you get: How self-disclosure in support seeking affects language use in support provision in online support forums. *Journal of Language and Social Psychology*, 37(1), 3-27. <https://doi.org/10.1177/0261927X17706983>
- Pasha, H., Basirat, Z., Esmailzadeh, S., Faramarzi, M., & Adibrad, H. (2017). Marital intimacy and predictive factors among infertile women in northern Iran. *Journal of clinical and diagnostic research: JCDR*, 11(5), QC13. <https://doi.org/10.7860%2FJCDR%2F2017%2F24972.9935>
- Reis, H. T., & Shaver, P. (1988). *Intimacy as an interpersonal process*. Handbook of personal relationships. Chichester: Wiley.
- Royal, C. (2020). *Friend and Spouse: Does the Level of a Close-knit, Same Sex Friend Affect Marital Intimacy?*. Doctoral Dissertations and projects. The University of Liberty.
- Ruan, Y., Reis, H. T., Clark, M. S., Hirsch, J. L., & Bink, B. D. (2020). Can I tell you how I feel? Perceived partner responsiveness encourages emotional expression. *Emotion*, 20(3), 329-342. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/emo0000650>
- Rudman, L.A., & Glick, P. (2021). *The social psychology of gender: How power and intimacy shape gender relations*. New York: The Guilford Press.
- Schaefer, M. T., & Olson, D. H. (1981). Assessing intimacy: The PAIR inventory. *Journal of marital and family therapy*, 7(1), 47-60. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1981.tb01351.x>
- Walker, A. J., & Thompson, L. (1983). Intimacy and intergenerational aid and contact among mothers and daughters. *Journal of Marriage and the Family*, 45(4), 841-849. <https://doi.org/10.2307/351796>
- Weisskirch, R. S. (2018). Psychosocial intimacy, relationships with parents, and well-being among emerging adults. *Journal of Child and Family Studies*, 27(11), 3497-3505. <https://doi.org/10.1007/s10826-018-1171-8>

مقایسه پاسخ‌های رفتاری به ابراز هیجانات همسر در زنان با صمیمیت عاطفی بالا و پایین

Comparing the behavioral responses in face of spouse's emotion expression between women with high and low level ...